

ایشان نور الله متواتر است و بواسطه اشیا پیش ایشان مقصود است بر ما شسته روی را
برین معنی باینست **بیروی** ناشسته تا پذیرد روی حوره لاصلوته گفت الالباحصو
الم تکلیف فعل تکبیر ای بگردانی که کرده است خدای تو بیکافان بسین یعنی
میدانی که چگونه بپاک کرد عاویز که قوم خود بودند و ایشان را هم نام بود و ایشان دروغ
بودند عاویز اول بر عرض من ارم من سام بن نوح بود و خودی از قوم خود بود و عاویز
دو پسر بود نام یکی شداد بود و نام دیگر شدید بود و آنست که قوم خود و صلح بوده اند
و قبیل ارم نام بستانی بود که شده آویز کرده بود و فعلی الا اول ارم عطف بیان بود و عا
ایشان فی المصاف محذوف ای عباد صاحب ارم ذات العباد التي کرام بوستان
و عمارتها لم یخلف فی البیاد که آفریده شده است مانند آن در شهر ما
و قبل عادیان دراز بالا بود مذ که قاصد هر یک مقصد کرده شد و بن عاویز را مقصد
عمر بود آن ملعون دعوی خدایی کرده و خود روی زمین را بکوفت و بهشتی ساخت در میان
حد در مدت مستقد سال چون تمام شد شد او خواست تا بکشکری خود را بیدار
ببشت که پیش او کسی ندیده بود و توصیف آن در کتب بنا کرده شده است چون در کتب
رسیدت تعالی تکلیف ایشان را بیک آواز که از آسمان آمد بپاک کرد و قحطی و
سینی و ندانی که چگونه بپاک کرد خدای تو نمود و باینکه قوم ضایع بودند **الذین جابوا النحر**

بالباحصو

انما یکبریدند سنکمارا و کوشکمارا و ماننا حسنا سنکماز سنکماز بریده در موضع که از اودی
قری نامت و در هزار بار و هزار و مقصد کوشک کند بود مذکوره با طاق با در واقعا
بدینا لا خایر کرده بواسطه تعالی بپاک کرد و چون اشتر صلح را کشند و فرعون ذی
الاقباله و زمینی و ندانی که چه کرد خدای تعالی با فرعون که بجهنم بود بقول عبد الله عبا
در اذن بیخاست که کشک که بگردانست و ایشان را خیمها بود و کجهنما استوار کرده
بقول جاهد مراد آن خیمها بود که مردمان را جاسر می نمودند و بپاک کرد و ندانند که
فلاذ و است کرده اند که فرعون را خیمه داری بود فریبل نام که ایمان آورده بود
بوسی علیه السلام پنهان و لا فرخشان نزدیک فرعون بود و وزن وی بشاطط و خمر
فرعون بود و این وزن نیز ایمان آورده بود بوسی علیه السلام و خمر فرعون و انبیه
در پیش فرعون کنت فرعون کنت آن زنا کار از اسلام برگرد بیکشت آن زن را
زود و چهار دست و پای او را بر زمین میخامد و خستند و عو پس فرعون ایستاقون
بیم ایمان آورده بود او را نیز باین نوع عذاب کرد و او نیز ایمان بیکشت
الذین کفروا فی البیاد انما یک فی فریانی کرده اند فی تعالی را در شهر فاکلثوا
بخطا القساوا و بسیار کرده و بسیار در شهر یعنی کانه بسیار کردند نصیب
طیبه سیرتک بسوط عذاب پس بخت خدای تو بر ایشان تا زیاده بکنجور